

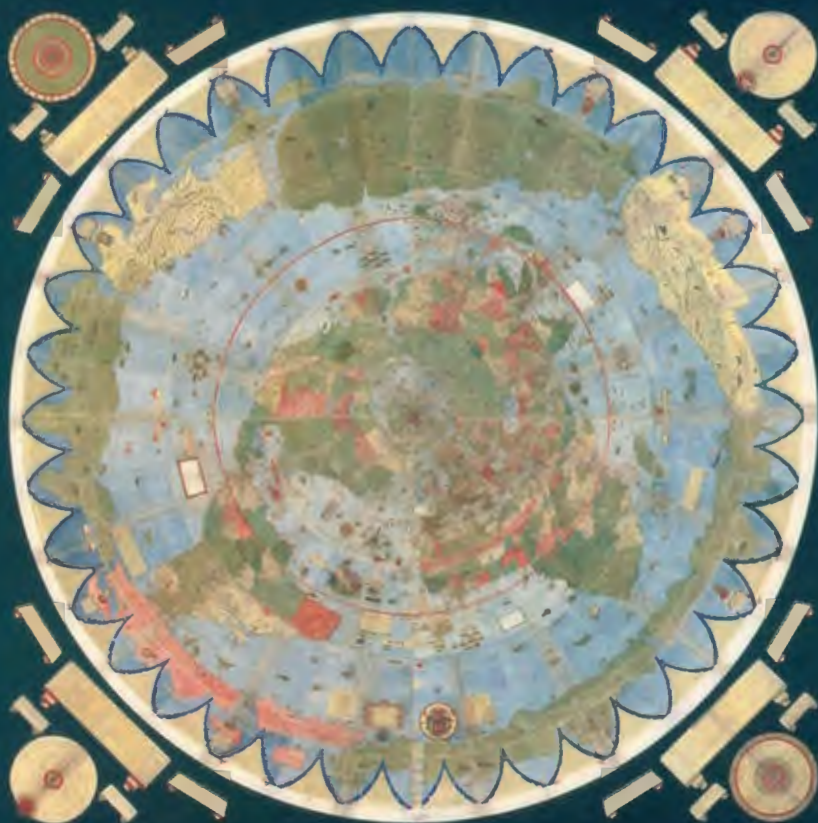


لِتِیسیا نَنکَت

حدیث دیگران

شرق شناسی در برابر غرب شناسی
(تصویرهای فرهنگی و ادبی ایران و فرانسه)

مترجمان: احیاء عمل صالح منیژه عبدالمهی



حدیث دیگران

سرشناسه	: نانکت، لیتسیا Nanquette, Laetitia
عنوان و نام پدیدآور	: حدیث دیگران: شرق‌شناسی در برابر غرب‌شناسی (تصویرهای فرهنگی و ادبی ایران و فرانسه) // نویسنده لیتسیا نانکت؛ مترجمان احیاء عمل صالح، منیژه عبدالحی.
مشخصات نشر	: تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱-۰۸۲-۶
فهرست نویسی	: فیبا
عنوان اصلی	: Orientalism versus Occidentalism : literary and cultural imaging between France and Iran since the Islamic Revolution, 2013.
عنوان دیگر	: شرق‌شناسی در برابر غرب‌شناسی (تصویرهای فرهنگی و ادبی ایران و فرانسه).
موضوع	: ادبیات فرانسه -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
موضوع	: French literature -- 20th century -- History and criticism
موضوع	: ادبیات فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian literature -- 20th century -- History and criticism
موضوع	: شرق‌گرایی در ادبیات
موضوع	: Orientalism in literature
موضوع	: شرق و غرب
موضوع	: East and West
موضوع	: فرانسه در ادبیات
موضوع	: France -- In literature
موضوع	: فرانسه -- روابط خارجی -- ایران
موضوع	: France -- Foreign relations -- Iran
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- فرانسه
موضوع	: Iran -- Foreign relations -- France
موضوع	: ایران -- در ادبیات
موضوع	: Iran -- In literature
موضوع	: فرانسه -- تمدن -- ۱۹۴۵م.
موضوع	: France -- Civilization -- 1945-
موضوع	: ایران -- تمدن -- قرن ۱۴
موضوع	: Iran -- Civilization -- 20th century
شناسه افزوده	: عمل صالح، احیا، مترجم
شناسه افزوده	: عبدالحی، منیژه، مترجم
رده بندی کنگره	: PQ۳۰۷
رده بندی دیویی	: ۸۴۰/۹۰۰۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۶۷۲۷۵

حدیث دیگران

شرق‌شناسی در برابر غرب‌شناسی
(تصویرهای فرهنگی و ادبی ایران و فرانسه)

نویسنده:

لیتیسیا فنکت

مترجمان:

احیاء عمل صالح

منیژه عبدالهی



انتشارات
تمدن علم

لیتسیا نکت

حدیث دیگران

شرق‌شناسی در برابر غرب‌شناسی
(تصویرهای فرهنگی و ادبی ایران و فرانسه)

احیاء عمل صالح

منیژه عبدالحی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۴۴۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر- چاپ: آزاده

صفحه‌آرایی: محمد علیپور

قطع: وزیری

شابک: ۶ - ۸۲ - ۶۳۱۰ - ۶۲۲ - ۹۷۸



انتشارات
تمدن‌علم

حق چاپ محفوظ است.

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین
خیابان شهدای ژاندارمری - بن‌بست گرانفر - پلاک ۴
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۲۳۵۸



www.elmpub.com



info@elmpub.com



nashreelm

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه مترجم
۱۵.....	مقدمه نویسنده
۱۷.....	تصویر یا بازنمود آن دیگری
۲۹.....	صورت‌بندی روابط متقابل ایران و فرانسه
۳۷.....	روش کار و چه‌گونه‌گی انتخاب منابع و مراجع
۴۷.....	فصل نخست: چه‌گونه می‌توان ایرانی بود؟
۴۸.....	بررسی شرق‌شناسی معاصر فرانسوی
۵۵.....	رمان‌های تاریخی شرق‌شناسی
۵۶.....	بیناگفتمانی در رمان‌های تاریخی درباره شرق
۶۰.....	بررسی رمان ماری از اصفهان
۶۵.....	رویکرد فمینیستی رمان‌های شرق‌شناسی
۶۹.....	رمان‌های جاسوسی شرق‌شناسی
۷۳.....	سفرنامه‌ها و آثار سفرنامه‌ای
۷۳.....	کتابچه‌های راهنمای سفر
۷۷.....	عناصر بینامتنی در سفرنامه‌های به ایران
۸۱.....	سفری طولانی با پای پیاده
۸۹.....	فصل دوم: تصویر ایران در متون و نوشته‌های فرانسوی
۹۰.....	تصویر انقلاب ۱۳۵۷ در روزنامه لوموند

۹۶	کتاب‌ها و متون ژورنالیستی به قلم ایرانیان
۹۸	رمان‌های تعلیمی
۱۰۰	روایت شرق‌شناسی جدید
۱۰۲	رمان‌های خودنوشت
۱۰۳	بررسی رمان چه‌گونه می‌توان فرانسوی بود
۱۰۸	نمود فرانسه در رمان چه‌گونه می‌توان فرانسوی بود
۱۱۱	سرگذشت خودنوشت
۱۱۶	ضدروایت‌ها درباره ایران
۱۱۸	نهاد تجدد و مرجان ساتراپی در پاراتکست
۱۲۲	جلوه‌هایی از رمان خودنوشت در کتاب‌های پرسپولیس و گذرنامه ایرانی
۱۲۶	ساخت تعلیمی یا نظریه پردازی رمان‌های پرسپولیس و گذرنامه ایرانی
۱۲۸	زندگی‌نامه رنج یا رنج‌نامه‌نویسی
۱۲۹	دره عقاب‌ها
۱۳۳	فصل سوم: شیطان کوچک، رویکرد متون ایرانی به فرانسه
۱۳۵	تصویر فرانسه به عنوان مهد اندیشه و هنر (ترجمه‌ها)
۱۳۵	نقش ترجمه‌ها
۱۴۱	مقابله با تصویر مثبت فرانسه در متون داستانی
۱۴۲	روایت‌های زویا پیرزاد
۱۴۵	فرانسه به عنوان سرزمین سیاست
۱۴۸	انعکاس تکاپوهای سیاسی در کتاب کافه نادری
۱۵۳	غرب‌شناسی سنتی در روایت‌های فارسی
۱۵۹	فصل چهارم: ادبیات فارسی در غربت (فرانسه)
۱۶۰	ادبیات در تبعید
۱۶۳	مفهوم غربت در متون ادبی در تبعید
۱۶۵	بررسی ادبیات در تبعید، داستان‌های گلی ترقی
۱۶۶	بررسی مفهوم غربت در سه داستان کوتاه گلی ترقی
۱۶۷	اناریانو
۱۷۰	داستان مادام گرگه

عادت‌های غریب آقای الف در غربت.....	۱۷۱
ساختارها و استعاره‌های تبعید.....	۱۷۴
سبک‌شناسی تبعید.....	۱۷۶
تصویر فرانسه به عنوان میزبان تبعید.....	۱۷۹
فصل پنجم: غلبه بر دیگری بودن، متون تلفیقی فرانسوی و فارسی.....	۱۸۳
مفهوم در هم آمیختگی یا تلفیق در رمان تلفیقی.....	۱۸۴
رمان‌های فرانسوی تا چه حد تلفیقی هستند؟.....	۱۸۶
رمان‌های فارسی به زبان فرانسوی تا چه حد تلفیقی هستند؟.....	۱۸۷
بررسی رمان‌های نویسندگان فارسی‌زبان به فرانسوی.....	۱۹۰
سرور کسمایی و رمان گورستان شیشه‌ای.....	۱۹۱
روایت‌های فرانسویان از ایران به عنوان یک خود دیگر.....	۲۰۲
مواجهه با عمرخیام در رمان خلال دندان.....	۲۰۳
زندگی‌نامه اسطوره‌ای: درهم آمیختن زندگی‌نامه با داستان خودنوشت.....	۲۰۵
یادداشت‌های مقدمه.....	۲۱۱
یادداشت‌های فصل نخست.....	۲۲۳
یادداشت‌های فصل دوم.....	۲۳۱
یادداشت‌های فصل سوم.....	۲۳۹
یادداشت‌های فصل چهارم.....	۲۴۵
یادداشت‌های فصل پنجم.....	۲۴۹
فهرست منابع.....	۲۵۵
نام‌نامه.....	۲۶۵

مقدمه مترجم

کتابی که پیش رو دارید، حاصل تأملات چندین ساله خانم دکتر لیتسیا نکت^۱ و برگرفته از رساله دکتری ایشان در رشته مطالعات خاور نزدیک و خاورمیانه از مدرسه مطالعات مشرق‌زمین و افریقا (SOAS) از دانشگاه لندن است. خانم نکت برای این تحقیق موفق به کسب جایزه از انجمن بریتانیایی مطالعات خاورمیانه گردیده است و در حال حاضر در دانشگاه نیوساوت ویلز سیدنی، استرالیا در حوزه شرق‌شناسی مطالعات خود را ادامه می‌دهد. نام اصلی کتاب، شرق‌شناسی در برابر غرب‌شناسی با زیرعنوان «تصاویر ادبی و فرهنگی فرانسه و ایران پس از انقلاب اسلامی»^۲ است که به دلیل مضامین کتاب، و به دلیل بار عاطفی بیت معروف جلال‌الدین مولوی (خوش‌تر آن باشد که سِر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران) عنوان حدیث دیگران بر کتاب نهاده شد.

نویسنده در این اثر تلاش کرده است از شیوه‌های رایج و سستی و بعضاً دانشگاهی تا حدی فاصله بگیرد و از دیدگاهی متفاوت بر مفهوم و موضوع شرق‌شناسی نظر افکند. توضیح آن‌که مطالعات رایج شرق‌شناسی صرف نظر از تاریخ آغاز پرابهام و مغشوش آن‌که از دوران ویرژیل تا جنگ‌های صلیبی و تا دوره‌های جدیدتر را دربر می‌گیرد، همواره با مباحث سنگین دانشگاهی و مطالعات کلاسیک استادان فن در حوزه‌های تاریخی، جنگ‌ها

1. Laetitia Nanquette

2. Orientalism Versus Occidentalism; Literary and Cultural Imaging between France and Iran since the Islamic Revolution

و رویارویی‌های میدان جنگ و مناسبات میان کشورها هم‌چون اعزام سفرا و نمایندگان و دیگر مراودات معمول در حوزه سیاست همراه بوده است و نسبت به دیگر وجوه اندیشه‌ورزی و فکری و تاریخ‌اندیشه و فلسفه که باستان‌شناسی را نیز دربر می‌گیرد و هم‌چنین مطالعات در حوزه‌های مذهبی مثلاً مطالعه در باب رقابت‌های مسیحیان و یهودیان با مسلمانان یا اعزام هیأت‌های مذهبی که از آفریقا، خاورمیانه تا چین تسری یافته، بی‌اعتنا بوده است. در این مطالعات هم‌چنین ادبیات و متن‌شناسی و به تبع آن مباحث مربوط به زبان نیز چنان‌که باید و شاید در مدار توجه واقع نشده است. حاصل آن‌که شرق‌شناسی، چه از سوی خاورشناسان سنتی در غرب نظیر نولدکه^۱ و گلدزیهر^۲ و دیگران مطرح شده باشد، چه براساس مکاتب پیشنهادی خاورشناسان مشرق‌زمین هم‌چون ادوارد سعید^۳، به بحث گذاشته شده باشد همواره بر اصولی رسمی و از پیش تعریف‌شده تکیه داشته است و از رویارویی مستقیم و صمیمانه‌تر با شرقیان و شرق‌نشینان دور بوده است. به دیگر سخن مستشرقان بخشی از واقعیات جاری در جوامع شرقی و مردم مشرق‌زمین را فروگذاشته و در مطالعات خود از آن غفلت ورزیده‌اند.

یکی از مهم‌ترین جایگاه‌هایی که می‌توان در عین وفادارماندن به شیوه‌های پژوهش‌های علمی و دانشگاهی و با بهره‌مندی از سنت مطالعات شرق‌شناسی، این کمبود را جبران کرد و به مطالعات شرق‌شناسی تحرک بخشید و آن را به گونه‌ای ملموس‌تر و امروزی‌تر مورد واکاوی قرار داد، توجه به ادبیات و متون ادبی است. به همین جهت نویسنده کتاب حاضر توجه خاص خود را به جای جست‌وجو در متون رسمی و سنتی، به لابه‌لای متن‌های ادبی و به‌ویژه رمان و متون داستانی معطوف کرده است و با عبور از کلی‌نگری‌های با فاصله، کوشیده است آرا و عقاید افراد و شخصیت‌هایی را که در درون هر اثر ادبی تصویر شده، به‌طور دقیق و به شیوه‌ای ذره‌بینی واکاوی کند و از این رهگذر بسیاری از ناگفته‌ها و نادیده‌ها و ناشنیده‌های مربوط به شرق‌شناسی را در برابر خواننده گشوده است.

نکته قابل تأمل در این کتاب آن است که نویسنده مبدأ پژوهش خود را متن‌های

1. Theodor Nöldeke

2. Ignác Goldziher

3. Edward Said

داستانی و متن‌های سفرنامه‌ای یا داستان‌های سفر که غریبان و اختصاصاً فرانسویان نگاشته‌اند، قرار داده است تا در درجه نخست ریشه‌های نگرش مردم و افراد و آحاد غربی و غرب‌نشینان را در مورد ایران از خلال این داستان‌ها بررسی کند و نشان دهد که چه‌گونه این آثار (خواه براساس واقعیت تدوین شده باشند و خواه با توجه به میل خوانندگان و بازار کتاب با آمیختن افسانه و دنیای تخیلی و تصاویر شگفت از شرق آمیخته شده باشند) توفیق یافتند تصویری پایدار از شرق و مشرق‌زمین به عنوان سرزمین افسانه‌ها و خوش‌باشی‌ها در ذهن غربی‌ها (که مستشرقان نیز از آن در امان نبودند) ارائه دهند. سپس نویسنده به سوی دیگر این طیف توجه کرده است و با بررسی آثار نویسندگان ایرانی، نگرش مردم مشرق‌زمین و اختصاصاً ایرانیان را به غرب و آزادی از نوع غربی و به طور کلی شیوه زندگی و تفکر غرب‌نشینان بیان کرده و نشان داده است که چه‌گونه ایرانیان به غرب رویکردی دوگانه دارند که از نوعی تصویر مدینه فاضله‌ای آمیخته با خوف و وهم همراه با احساس دور بودن و غریبه بودن آغاز می‌شود و تا مرزهای بدبینی و حتا پرخاش‌گری (هم‌چون غرب‌زدگی آل احمد) پیش می‌رود. دست‌آخر نویسنده دریچه‌ای به نوع سوم از داستان‌ها و نوشته‌هایی گشوده است که یا به صورت داستان‌های خودنوشت (اتوفیکشن) یا به گونه‌های دیگر هم‌چون رنج‌نامه یا خاطرات روزانه و شرح زندگی در غربت، نگاشته کسانی است که خود در دل تمدن غرب و به عنوان نمونه در شهر پاریس زندگی می‌کنند. به این ترتیب نقبی زده است به همان مفهوم قدیمی که نه در غربت دلم شاد و نه جایی در وطن دارم و از این منظر دیدگاه ایرانیان غرب‌نشین را که برخوردار از فضای غربی هم‌چنان دل و چشمشان به شرق است، نسبت به غرب و تمدن غربی و نیز نسبت به مشرق‌زمین بررسی کرده است. هم‌چنین نویسنده از آن دسته آثار ایرانیانی که نوشته‌های خود را نه به فارسی که به زبان‌های دیگر غربی می‌نویسند غافل نمانده و در تحلیل خود به آن‌ها نیز توجه کرده است. به خصوص به دلیل این‌که خود اصالتاً فرانسوی است، به خوبی توانسته آثار نویسندگان فارسی‌زبانی که نوشته‌ها و داستان‌های خود را به زبان فرانسوی نوشته‌اند بررسی کند و دیدگاه این گروه از نویسندگان را که لابد بیش از آن که خوانندگان و مخاطبان ایرانی را در نظر داشته باشند، خوانندگان فرانسوی را پیش روی خود داشته‌اند، مورد کنکاش قرار دهد و از این رهگذر

برخی زوایای دقیق روح ایرانی که حتا بر خود ایرانیان و فارسی‌زبان‌ها نیز نامکشوف مانده است، بر خواننده کتاب چه غربی و چه شرقی گشوده می‌شود. و سرانجام از خلال همین نوشته‌ها دریچه‌هایی از حقیقتی که غرب نامیده می‌شود، بر خواننده و محقق غربی و اختصاصاً فرانسوی نیز گشوده می‌شود و فرصتی مغتنم برای فرانسوی‌ها، فراهم می‌کند تا خود را در آینه دیگران ببینند و بازشناسند و اگر لازم دانستند بازتعریف کنند.

آنچه شوق مترجمان را به ترجمه این کتاب که بسیار زمان‌گیر بوده است برانگیخت، دانش‌ورزی بی‌ریا و صمیمانه نویسنده جوان کتاب است که در عین بهره‌مند بودن از دانش و سنت‌های پیشینیان در حوزه شرق‌شناسی، هم‌چون پژوهشگری تازه‌جو تلاش کرده است به افق‌های جدیدی در این زمینه دست یابد و از آن‌جا که در تدوین این کتاب روشی نو را در پیش رو داشته است، رنج و زحمت بسیاری متحمل شده است. او بسیاری از کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها و مراکز علمی و دانشگاهی ایران و فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی را برای دستیابی به متون و نوشته‌های لازم که برخی از آن‌ها دیرباب و حتا نایاب و غیرقابل دسترس بوده‌اند، زیر پا گذاشته است؛ با نویسندگان و اندیشمندان بسیاری شخصاً مصاحبه و گفت‌وگو کرده و رمان‌ها و داستان‌های بسیاری را کاویده است و سپس حاصل این مطالعات را به صورتی روشمند و به قاعده پژوهش‌ها و مطالعات علمی در اختیار خواننده نهاده است.

کتاب در اساس از پنج فصل و یک مقدمه مفصل تشکیل شده است و نیز در انتهای کتاب، زیرعنوان یادداشت‌ها، مباحث تکمیلی بسیاری به‌طور خلاصه افزوده شده است که برای بهره‌مندی بیش‌تر خوانندگان این قسمت نیز ترجمه گردیده است. بخش‌هایی از کتاب که به متون فارسی ارجاع داده شده و در متن کتاب به انگلیسی برگردانده شده، با مراجعه به اصل متن فارسی به همان صورت اصلی در کتاب گنجانده شد. طبیعی است این بخش شامل متونی می‌شود که در داخل ایران چاپ شده و در دسترس بوده‌اند. سرانجام از آن‌جا که بخش اصلی کتاب برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده است، به حکم نوشته‌های پایان‌نامه‌ای گاه فصل‌بندی‌ها و ترتیب منطقی متن با یک‌دستی و یکنواختی که از کتاب انتظار می‌رود، فاصله دارد. در این موارد ضمن رعایت امانت کامل بخش‌های تکراری و هرآن‌چه که به یک‌دستی متن خلل وارد می‌آورد و آن را دیرباب می‌سازد، اصلاح شد و ناگزیر برخی جابه‌جایی‌ها نیز صورت داده شد تا روال منطقی متن بیش‌تر

حاصل شود. با این همه فصل‌بندی‌های کلی و سایر جلوه‌های صوری کتاب تا حد ممکن مطابق متن اصلی و به همان ترتیبی که نویسنده در اصل کتاب آورده است، رعایت شده است.

از آن‌جا که برخی اصطلاحات درون متن برای بار نخست به فارسی گزارش می‌شوند، تلاش شده است تا همان‌گونه که صورت لاتین نام‌های اشخاص در پاورقی درج شده، اصطلاحات خاص حوزه نقد و ادب نیز مطابق با متن اصلی در زیرنویس درج شود تا خوانندگان تلفظ صحیح آن را در اختیار داشته باشند و راه برای جست‌وجوهای وسیع‌تر در متون غیرفارسی گشوده باشد. از خوانندگان تقاضا می‌شود به برابر نهادهای فارسی این اصطلاحات توجه ویژه مبذول فرموده، مترجمان را از نظرات سازنده و تکمیلی خود بهره‌مند سازند.

امید که این کتاب به دلیل پرداختن به بحث و بررسی‌های وسیع ادبی و تحلیل‌های موشکافانه متون ادبی و داستانی معاصر، به ویژه متنی‌هایی که خارج از مرزهای کشور فراهم آمده‌اند، افزون بر علاقه‌مندان به مباحث شرق‌شناسی و غرب‌شناسی، رضایت خاطر پژوهندگان عرصه ادبیات داستانی معاصر فارسی را نیز فراهم آورد.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار

احیا عمل صالح^۱

منیژه عبدالهی^۲

شیراز زمستان ۱۳۹۸

1. asalehe@yahoo.com

2. Manijeh.abdolahi@gmail.com

مقدمه نویسنده

رایج‌ترین تصویری که از ایران در رسانه‌های فرانسوی نقش بسته، تصویر دولت شروری است که در بلندپروازی‌های هسته‌ای خود غرق شده است؛ این در حالی است که فرانسه نیز در رسانه‌های ایران به صورت کشوری فاسد و امپریالیستی نمایش داده می‌شود. بنابراین ضروری است روش‌هایی در پیش گرفته شود که از طریق آن‌ها این قالب‌های نمادین و این کلیشه‌ها که بر فضای رسانه‌ها حاکم می‌شوند و از طریق آن‌ها بازنمایی و همگانی می‌شوند، زیر ذره‌بین قرار گرفته به دقت بررسی شود. برای دستیابی به این درک متقابل، در کتاب حاضر تلاش می‌شود تصویرهایی که ایران و فرانسه از یکدیگر ارائه داده‌اند، در ابعاد مختلف فرهنگی و ادبی به طور دقیق‌تری نگریسته شود. به نظر می‌رسد یکی از بهترین راه‌ها برای رسیدن به این هدف، توجه به متن‌های ادبی است که نویسندگان ایرانی و فرانسوی در مورد یکدیگر نگاشته‌اند. زیرا این متن‌ها نه تنها نسبت‌های ادبی و فرایندهای نگارش شخصی بلکه مسائل اجتماعی-سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد و از این لحاظ بهترین منبع برای بررسی و تحلیل نظام‌مند روابط ایران و فرانسه فراهم می‌آورد. در این نوشتار ادبیات در مفهوم وسیع آن در نظر گرفته می‌شود و بی‌اعتنا به معیارهای ذهنی رایج در زیبایی‌شناسی متنی، تمام متون نثر و هر نوع نوشته‌ی روایی را در برمی‌گیرد. بنابراین لازم است درک وسیعی از متون ادبی داشته باشیم و خود را به متون شناخته شده و معتبر محدود نکنیم. نگارنده اعتقاد دارد این چنین درکی از ادبیات است که می‌تواند بر روابط ایران و فرانسه تأثیر مستقیم بگذارد. امید می‌رود انتشار این کتاب به آگاه‌سازی مردم فرانسه

و ایران از کارکردها و تأثیرات [سوء] کلیشه‌سازی و غریبه‌انگاری کمک کند و احتمالاً غریبه‌انگاری یا غیرانگاری را در روابط مردم دو کشور کاهش دهد. امری که به نوبه خود به افزایش پذیرش آن دیگری با تمام اختلاف نظرها و مغایرت‌ها منجر خواهد شد. به این منظور، نگارنده در تحلیل‌های خود هم آثار ادبی فرانسوی و هم متون ادب فارسی را در نظر خواهد گرفت و هم‌زمان به دو سوی تصویر، در یک دوره کوتاه معاصر نظر خواهد داشت و تلاش خواهد کرد تا نوشتار حاضر را از هرگونه پیش‌داوری و بازسازی ذات‌انگارانه شرق‌شناسانه و غرب‌شناسانه به دور دارد. نگارنده هم‌چنین، بر گفت‌وگوی بینامتنی و بافت یا فحوای کلام نیز تمرکز داشته است تا از پاره‌ای از مشکلاتی که خوانش تحت‌اللفظی متن ایجاد می‌کند، پیشگیری شود؛ زیرا در تحلیل و بررسی مباحث بنیادی و اساسی باید پرسش از وجود یا نبود و نبود مسأله، به تلاش برای شناخت و تحلیل آن تبدیل شود.

تصویر یا باز نمودِ آن دیگری

پیش از ورود به بحث، لازم است مفهوم تصویر و تصویرسازی تحلیل شود زیرا تصویرسازی یا تصویرشناسی عنصری است که عملکردهای مختلف یک جامعه را با پندارها و تخیلات ادبی و غیرادبی آن جامعه ترکیب می‌کند و به این ترتیب رویکردهای آن جامعه یا کشور را در چشم ناظر یا تحلیل‌گر روشن‌تر می‌سازد. بر اساس یافته‌های تصویرشناسی^۱، ادراک تصویر و تصویرسازی از جوامع، در فهم پدیده‌های فرهنگی کلان آن جامعه مؤثر است. مطالعات تصویرشناسی که تصویر (سازی) از خارجیان را بررسی می‌کند، عمدتاً به وسیله فعالان حوزه ادبیات تطبیقی در قاره اروپا^۲ به کار گرفته شده است. از نظر این متفکران در رویکرد تصویرشناسی، فنون شاعری و مفاهیم نقد با یکدیگر ترکیب می‌شوند و فنون شاعری مطالعه کلی متون را در نظر دارد و بر ویژگی‌های مشترک آن‌ها تأکید دارد، بر خلاف نقد که مطالعه جزئیات، نقاط اختلاف و ابزار سرکوب کل را برجسته می‌کند. رویکرد تصویرشناسی بعد از شکل‌گیری در فرانسه، به دیگر کشورهای اروپایی توسعه یافت؛ چنان‌که در هلند و آلمان، جوپ لیرسن^۳ و منفرد بلر^۴ در این زمینه بسیار فعال هستند و بر مطالعه شخصیت‌های ملی در ادبیات تمرکز دارند. (۱) اما استفاده

1. imagology

۲. منظور از قاره اروپا یا اروپای قاره‌ای همان‌گونه که نویسنده به کار گرفته، اروپای بدون بریتانیا است. در این متن هر جا که قاره اروپا همراه با انگلستان در نظر گرفته شود، لفظ رایج اروپا بدون اضافه کردن کلمه قاره، به کار می‌رود.

3. Joep Leerssen

4. Manfred Beller

نگارنده از تصویرشناسی در این کتاب، عمدتاً بر اساس مدل فرانسوی بوده است که در مراحل اولیه تحقیق مدل تحلیلی ژان مارک مورا^۱ در خصوص تصویر جهان سوم در رمان‌های فرانسوی به عنوان مدل و الگوی تحقیق در نظر گرفته شد، اما به زودی معلوم شد که [بر اساس مدل مورا] نمی‌توان ایران را هم‌تراز با کشورهای جهان سوم، در جایگاه آن دیگری قرار داد زیرا نتایجی که از مدل مورا به دست آمد درباره ایران در کلیت خود صدق نمی‌کرد و همه وجوه فرهنگ ایرانی را شامل نمی‌شد. (۲) همین امر دیدگاه نگارنده را درباره این که جایگاه ایران در تخیل شرق‌شناسانه غربی‌ها جایگاهی تثبیت شده و در چارچوب تصویرسازی خاصی محصور است، تقویت کرد. بنابراین جنبه‌هایی از نظریه‌های ادبی دیگر، به‌ویژه مکتب جدید تاریخی استفان گرین بلت^۲ (فرضیه‌ای که معتقد است کلیه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی باید از نظر تاریخی مطالعه شوند) و سیاست‌های بازنمودی استوارت هال^۳ که در فرانسه به وسیله دومینیک ماین‌گونو^۴ در آثاری چون تحلیل کلام^۵ پیگیری می‌شود، به چارچوب تصویرشناسی اصلی افزوده شد.

طبق تعریف تصویرشناسی، تصویر در سه حالت نمود پیدا می‌کند: تصویر یک فرد یا یک شخص خارجی، تصویر برساخته شده از یک ملت یا جامعه، و تصویر احساس و درک یک نویسنده از آن ملت یا جامعه. بر این اساس، تصویر نمایانگر ارتباط دوطرفه میان دو فرهنگ، دو ادبیات، یا دو متن است. بنابراین در تصویرشناسی حوزه دیداری نیست که مورد اشاره است، بلکه تصویرشناسی اصطلاح یا واژه‌ای ادبی برای بیان «بازنمود» در بافتی کلی است. بنابراین در تصویرشناسی نه تنها تصاویر موجود در متون بلکه تصاویر موجود در جامعه مورد توجه واقع خواهند شد. فرضیه اصلی در تصویرشناسی این است که مسئله مرجع (یعنی انطباق تصویر با امر واقع که تصویر از آن برگرفته شده) معتبر نیست، بلکه تصویرشناسی مهم‌ترین ویژگی تصویر را ناشی از آگاهی از تفاوت میان خویش^۶ و دیگری^۷ خارجی می‌داند؛ تفاوت میان این‌جا و آن‌جا. بر این اساس است که میان شیئی

1. Jean- Mark Moura

2. Stephen Greenblatt

3. Stuart Hall

4. Dominique Maingueneau

5. analyse du discours

6. Self

7. Other

بازنمود یافته و تصویر، ارتباط از نوع گفت‌وگو یا مخاطبه وجود دارد؛ بیان اختلاف میان دو حالت از واقعیت و میان دو فضا؛ و چنان‌که می‌دانیم بررسی اختلاف، عنصر اساسی در ادبیات تطبیقی است. برخلاف مفهوم واقعیت که برساختی اجتماعی دارد، مفهومی دقیق از تصویر درست از یک کشور، وجود ندارد. این همان نکته‌ای است که به نظر نگارنده، ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی در نقد خود بر بازنمود شرق در دیدگاه اروپاییان، چندان به آن نپرداخته و توضیحی قانع‌کننده از آن ارائه نمی‌کند. (۳) این به آن معناست که نمی‌توان تصویر ادبی را صورت تام و تمام بازتاب اجتماعی دانست؛ تصویر [ادبی] در واقع گونه‌ای سراب و حاصل ذهن و توهم است و تصویرشناسی عبارت است از مطالعه توهمات تفکیک‌ناپذیر و درهم‌آشفته درباره دیگری. علاوه بر تصویر، به نظر نگارنده کلیشه^۱ نیز نوعی ارائه (کلامی - دستوری - سبک‌شناسانه - واژگانی - روایی یا موضوعی) و برساخت ادبی ضروری و انگاره‌ای قالبی^۲ است که تصاویر اجتماعی متعلق به باورهای^۳ جامعه را بیان می‌کند. (۴) به بیان دیگر اگرچه کلیشه انگاره‌ای قالبی و برچسبی رایج و معمول است که بر یک فرد یا گروه زده می‌شود، برخلاف کاربرد روزمره آن، در تحلیل‌هایی که در این نوشتار آمده بار معنایی آن منفی نیست زیرا نگارنده به ریشه‌ها و فرایندهای آن توجه داشته است. (۵) به همین جهت به جای کلیشه در متن حاضر گاه از اصطلاح تم، مضمون یا موقعیت‌ها^۴ نیز استفاده شده است.

بنابراین در این نوشتار تصویر و کلیشه در معنای افتراقی آن به کار برده نخواهد شد؛ زیرا تصویر یا کلیشه در این مفهوم حتا اگر بر یک واقعیت مفروض بنا شده باشد، برای

1. Cliché

2. stereotype

۳. نویسنده در متن از لفظ doxa استفاده کرده است. در لغت doxology به معنی پاره دعاهای آهنگینی است که در کلیسا در ستایش خداوند خوانده می‌شود و در زبان لاتین به معنای احترام و ستایش است. می‌توان باور آمیخته با احترام و ستایش، یا باورهای هیبت‌آمیز را به عنوان معادل برای آن به کار برد. با این حال در متن حاضر با توجه به منظور نویسنده، اصطلاح "باورهای عمومی" به عنوان معادل آن به کار رفته است.

۴. نویسنده اصطلاح topo را به کار برده که در اصل به معنای مکان یا موقعیت و در ادبیات به یک متن، تم یا موضوع سستی اشاره دارد و جمع یونانی آن topoi است. از آن‌جا که این واژه در فارسی معادل خاصی ندارد، در ترجمه حاضر بنا به اقتضای متن به موقعیت، تم و گاه موضوع برگردانده شده است.

محکوم کردن دیگری و نه برای ارزش گذاری، استفاده می شود. در این نوشتار تصویر به این مفهومی که توضیح داده شد، به عنوان ابزاری برای فهم روش های بازنمودی متقابل ایران و فرانسه به کار خواهد رفت. استدلال نگارنده در به کارگیری این روش آن است که حتا اگر کاربرد این شیوه مطلوب یا محتمل نباشد، حداقل این امکان را فراهم می سازد که بر ساخت هایی که از بازنمودهای دیگری در تحلیل های کلیشه ای و تعصب آمیز نمود می یابد، شناسایی شود تا حد امکان بتوان از آن جلوگیری کرد نه این که با آن ها همراه شد. (۶)

بهره مندی از فرضیه تصویرشناسی در خوانش و ادراک متن دو فایده دارد: نخست آن که تمام گفتمان های درباره دیگری خارجی را می توان در قالب یک گونه شناسی سازماندهی شده متمرکز کرد که این تمرکز نوعی امتیاز به حساب می آید زیرا کمک می کند تا متونی که در آن ها اسطوره های شخصی ارائه شده است، برجسته شوند و در عین حال بر اساس این طبقه بندی متمرکز، برخی از متونی که جزییات و دقایق ظریف مطرح شده در آن ها در متون مشابه دیگر، به صورت ساده تر شده ای آشکار شده، کنار گذاشته می شوند. فایده دوم آن است که مطالعات بر اساس تصویرسازی، بسیار فراگیر است و بر اساس برآیند میان تاریخ ادبیات سنتی و سایر مطالعات فرهنگی فراهم شده است. از این رو تنها به آثار بزرگ نخبگان ملی که در تاریخ ادبیات سنتی بررسی می شوند اکتفا نمی شود و گونه های کم تر شناخته شده ادبی و فرهنگی نیز در این گونه مطالعات بررسی می شوند. از این رو تحقیق حاضر نیز بر پایه ارتباط میان متون و نوشته های نویسندگان بزرگ و اصلی (دارای آثار و جایگاه ادبی) و نیز گویندگان فرعی (کم تر شناخته شده و بدون دیوان) فراهم شده است. در عین حال جایگاه و منزلت هر کدام از متون به خوبی بررسی و بازنگری شده است تا به هر کدام بر اساس پایگاه و تأثیری که بر فضای فکری جامعه نهاده است، توجه شود.

کتاب حاضر هم چنین از تمام متون نثر و ادبیات روایی معاصر که ایران و فرانسه را بازتاب می دهند، مطالعه ای دقیق ارائه خواهد داد. استدلال نگارنده برای پرداختن به تمام متون نثر روایی، این است که متون نثر بیش از شعر - که تا آن جا که حداقل به متون معاصر فارسی و فرانسوی برمی گردد بیش تر با فرم و شیوه بیان شاعرانه درگیر است - بر عناصر

ملی تأکید دارند. استدلال نگارنده در گزینش متون نثر روایی این است که در تحلیل معنای شرق‌گرایی و غرب‌گرایی، که در قسمت بعد تعریف خواهند شد، این آثار مأخذهای اصلی میان‌متنی و میان‌گفتمانی در بررسی تصاویر متقابل ایران و فرانسه به شمار می‌آیند. طبیعی است که متون نثر غیرروایی که به‌طور مستقیم به مسائل اجتماعی می‌پردازند، مثلاً مقاله‌ها، در این نوشتار مورد توجه واقع نشده‌اند. نگارنده هم‌چنین از گفتمان‌های کلان‌تر غالب در جامعه که از طریق نهادینه‌سازی اعتبار می‌یابند تأثیر پذیرفته است. گفتمان‌ها و متون به شیوه‌ای دوطرفه یکدیگر را تغذیه می‌کنند، بر این اساس درجه مقاومت نویسندگان در برابر گفتمان‌ها نیز در این کتاب ارزیابی خواهد شد. در مورد ایران و فرانسه، استفاده از گفتمان شرق‌شناسانه، در بازنمودن دیگری تعیین‌کننده است. در واقع هر تصویر اضافی از دیگری، با افزوده شدن به گفتمان شرق‌شناسانه، دامنه احتمالات برای اتخاذ موضع متفاوت را محدودتر می‌کند. ادوارد سعید در این زمینه چنین استدلال می‌کند:

هر کسی که درباره شرق مطلبی می‌نویسد، لاجرم باید موضع و جایگاه خود را در ارتباط با شرق بداند. این موضع و جایگاه نویسنده، نوع لحنی را که اتخاذ می‌کند، نوع ساختاری که می‌سازد، انواع تصاویر، موضوعات، انگیزه‌هایی که در متن جریان می‌یابد، همه را شامل می‌شود و همگی این موارد به روش‌هایی که متعهدانه خواننده را مورد خطاب قرار می‌دهد، یا به مخاطبی که شرق را درمی‌یابد و آن را بازآفرینی کرده یا به جای او حرف می‌زند، افزوده می‌شود. (۷)

شایان ذکر است که استفاده از واژه‌های شرق^۱، غرب^۲، و شرق‌شناسی^۳ و غرب‌شناسی^۴، نه تنها غیر قابل اجتناب است، بلکه مفاهیم اولیه و آشنایی هستند که برای ارائه تعریف‌های مقدماتی بسیار مفید است. به همین دلیل است که نگارنده در ابتدای این کتاب بدون هیچ توضیحی آن‌ها را به کار برده است، اما در ادامه این اصطلاحات را مورد موشکافی قرار خواهد داد. تا این‌جا کار، منظور از غرب، اروپا و آمریکای شمالی و

1. orient

2. occident

3. orientalism

4. occidentalism

منظور از شرق، خاورمیانه بزرگ بوده است. با این حال در این مطالعه نگارنده ناگزیر اصطلاح شرق‌شناسی را به صورت محدودتر و در حوزه مطالعات شرق‌شناسی فرانسوی و تنها در بافت و زمینه ایران به کار برده است. هم‌چنین لازم است این نکته در نظر گرفته شود که ارائه این تعاریف به این شیوه، برخاسته از این واقعیت است که نگارنده این کتاب از دیدگاه غرب و جایگاه غربی خود به این منظر می‌نگرد.

ادوارد سعید اظهار می‌دارد که شرق‌شناسی نه تنها یک علم غربی درباره شرق و انسان شرقی است بلکه نوعی ایجاد و برساخت گفتمانی است که برای استیلا بر شرقیان طراحی شده است. برداشت رایج از شرق‌شناسی، پیش از نظریه‌های ادوارد سعید، این بود که علم یا رشته‌ای غربی است که به مطالعه جوامع و تمدن‌های شرقی می‌پردازد؛ اما بعد از نقد سعید بر شرق‌شناسی، حیطه این واژه گسترده‌تر شد و شرق‌شناسی نه به عنوان رشته‌ای علمی بلکه به عنوان نوعی گفتمان شناخته شد و بار معنایی منفی یا تحقیرآمیزی را که طبق گفته‌های سعید امروزه بخشی از آن است، بر آن تحمیل شد. (۸) بر اساس نظر ادوارد سعید، شرق‌شناسی بر اساس گستره‌ای از تضادهای شرق و غرب ساخته شد که مفاهیمی اساسی انگاشته می‌شدند: آزادی در برابر استبداد، فردگرایی در برابر کل‌گرایی، پیش رفتن [خطی] بر اساس تاریخ در برابر ابدیت [و زمان ادواری شرقی] و الی آخر. (۹) ری چاو^۱ در کتابی که درباره چین نگاشته، استدلال می‌کند که استعمارگری لزوماً به معنای استعمار جغرافیایی نیست؛ بلکه مهم‌ترین جنبه شرق‌شناسی، میراث آن به عنوان روزمره کردن فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی [غربی در شرق] است. (۱۰) در تأیید نظرات چاو، به نظر نگارنده شرق‌شناسی هنوز «گفتمان غالب» است که بیان‌گر دیدگاه اروپاییان درباره شرق است و همین مبحث درباره روابط ایران و فرانسه نیز صدق می‌کند. (۱۱) با این حال طرح این موضوع به این معنا نیست که خاورمیانه همواره در راستای نگرش غرب، به عنوان آن دیگری خارجی در نظر گرفته شود. فرد هالیدی^۲ هشدار می‌دهد که شرق‌شناسی را نباید به عنوان ادامه یک جریان تاریخی در طی اعصار دید. هم‌چنین اظهار می‌دارد تداوم ضدیت فراتاریخی نسبت به شرق و اعراب و جهان اسلام، افسانه‌ای بیش نیست. (۱۲) تحلیل

متون در امتداد شرق‌شناسی این امکان را فراهم می‌کند تا آنچه بخشی از بیناگفت‌مان^۱ و بینامتنیت^۲ شرق‌شناسانه است و آنچه که به‌طور خاص درباره شرق‌شناسی است، یعنی چه‌گونه نویسنده الگوهای شرق‌شناسانه را بازتولید می‌کند، مشخص شود. هم‌چنین، در تحلیل تصاویر فرهنگی ایران و فرانسه، ابعاد سیاسی نیز باید به‌دقت بررسی شود، زیرا یکی از دلایل علاقه ایرانیان به فرانسه انگیزه‌های سیاسی است. توضیح آن‌که بر خلاف روسیه یا بریتانیای کبیر، دو قدرتی که همواره بر سر ایران رقابت داشته‌اند، فرانسه هیچ‌گاه انگیزه استعماری مستقیمی در مورد ایران نداشته و این شاید یکی از دلایلی است که ایرانیان به فرانسه علاقه‌مند شده‌اند.

همان‌گونه که بابی سید^۳ بیان می‌کند، غرب‌شناسی نمی‌تواند در معنای متقابل شرق‌شناسی قلمداد شود [زیرا در این صورت هردو هم‌ارز خواهند بود] و در نظر گرفتن غرب‌شناسی هم‌ارز شرق‌شناسی به معنای نادیده گرفتن این اصل است که قدرت با دانش ارتباط نزدیک دارد. شکی نیست که غیرغربی‌ها تصاویر یا بازنمودهای قالبی و یک‌دست از غرب دارند، اما ریشه این بازنمودها اغلب به خود غرب برمی‌گردد زیرا رابطه قدرت همواره رابطه‌ای نامتقارن است. (۱۳) به علاوه، غرب‌شناسی که در ظاهر در برابر شرق‌شناسی است، هرگز در ایران به عنوان یک رشته نهادینه نشده است (۱۴) به همین جهت در نوشتار حاضر غرب‌شناسی با احتیاط و حساب‌شده به کار گرفته شده است و در هر حال پارادوکس موجود در آن را نباید فراموش کرد.

واقعیت آن است که تا همین اواخر که برخی از دانشوران خواهان ایجاد کرسی‌های غرب‌شناسی شده‌اند، ایران به مطالعه نظام‌مند و سیستماتیک جوامع غربی چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت کلی علاقه‌ای نداشته است. سید فخرالدین شادمان (۱۹۶۷-۱۹۰۷) از دانشوران پیشرو در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) در کتاب تسخیر تمدن فرنگی خواستار ایجاد آن‌چه او فرنگ‌شناسی می‌خواند، شده بود. (۱۵) او هم‌چنین به مشکل تعریف مفهوم غرب [به عنوان یک واحد معنایی] توجه کرده بود و اکنون که نگارنده در سال ۲۰۱۱ به این

1. interdiscourse

2. intertext

3. Bobby Sayyid

مطالعه پرداخته است، هنوز این خواسته برای دانشوران ایرانی از اهمیت کلیدی برخوردار است. تنها کوششی که در این زمینه صورت گرفته به سال ۲۰۰۸ برمی‌گردد که دانشکده مطالعات جهان با بخش‌های مطالعات بریتانیا، فرانسه، آلمان و آمریکای شمالی، و بخش‌های مطالعات هند و روسیه و آمریکای لاتین، در دانشگاه تهران ایجاد شد. (هنوز هیچ اراده‌ای برای توسعه مطالعات تاریخ و فرهنگ دیگر مناطق جهان اسلام وجود ندارد.) به‌طور خلاصه مطالعات جسته و گریخته غرب‌شناسی نه ذهنیت‌های علمی و جهان‌شمول شرق‌شناسی را دارد و نه قدرت کافی دارد که بخواهد یک ایدئولوژی یا هویت کلی را به دیگران غیرشرقی تحمیل کند. این امر نشان می‌دهد که برخلاف شرق‌شناسی، غرب‌شناسی یک رشته علمی نبوده و نیست، اگرچه به طور بالقوه می‌تواند گفتمانی غنی و گسترده مانند شرق‌شناسی ایجاد کند. نگارنده در این مورد با آرشین ادیب مقدم موافق است که می‌گوید: «آنچه ما [در مطالعات غرب‌شناسی] بنا نهاده‌ایم، الگویی فکری غیرنظام‌مند از بازنمودهای سیستماتیک غرب است و آرشیوی نامنظم از روایت‌هایی است که مسلمانان از تجارب غربی‌ها فراهم آورده‌اند.» (۱۶) بنابراین غرب‌شناسی دوسویه متضاد یافته است. از یک سو گرایشی وجود دارد که منکر آن است که مفهوم غرب از غیرغرب برخاسته باشد. (۱۷) [یعنی مفهوم غرب را ساخته و پرداخته خود غربی‌ها در برابر شرق می‌داند] و از سوی دیگر همین غرب مورد تمجید و ستایش واقع شده است. (۱۸)

این رویکرد دوگانه را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که شرق‌شناسی و غرب‌شناسی همواره در ارتباط با هم بوده‌اند و جدا کردن پیشرفت و توسعه این دو مفهوم همواره کاری دشوار بوده است. تامارا واگنر^۱ دو شکل مجزای غرب‌شناسی که او آن‌ها را تجدیدنظرطلبانه^۲ و تقلیدی^۳ می‌نامد، در نظر می‌گیرد و چنین بحث می‌کند:

غرب‌شناسی مشخصاً به ویژگی‌هایی دوگانه اشاره می‌کند: تقلید از ایده‌آل‌های غربی، و به همان اندازه عدم پذیرش آن‌ها؛ که هر دو در واقع دو روی یک سکه هستند. از این جهت، برای مشخص کردن جهات متضاد غرب‌شناسی، باید میان

1. Tamara Wagner

2. revisionist

3. emulative

شکل‌های تقلیدی (تحسین‌آمیز و تمجیدی) از یک سو و تجدیدنظرطلبانه (نفرت‌آمیز، عدم پذیرش و تلافی‌جویانه) از سوی دیگر، تفاوت قائل شد. (۱۹)

شکل تقلیدی تحسین‌آمیز را برای مثال می‌توان در سفرنامه‌ها مشاهده کرد. براساس دیدگاه محمد قانون‌پرور، در اوایل قرن ۱۹ با سفرهای ایرانیان (به اروپا) تصویر غالب از اروپاییان از دیگران عجیب غریب و مبهم که در حالت کلی با خصومت از آن‌ها یاد می‌شد تغییر یافت و به صورت آن دیگری البته باز هم غریبه که پیشرفت‌های اجتماعی، فنی، و حتا سیاسی آن‌ها باید از سوی ایرانیان دنبال شود، درآمد. (۲۰)

بنا به گفته واگنر، فرآیند تعریف «خویشتن» در غرب‌شناسی هم مانند آن‌چه در شرق‌شناسی وجود دارد، در جریان است. واگنر معتقد است: «همانند روال موجود در شرق‌شناسی، تولید داستان‌های تخیلی غرب‌شناسانه نیز بیش از آن‌که موضوع ارائه شده یا بازتولیدشده را توضیح دهد، از تولیدکننده آن آثار نشان دارد.» (۲۱) این امر تأیید می‌کند که در نگاه غرب‌شناسی سازش‌ناپذیر یا غرب‌شناسی مخالف با غرب، هرگونه پذیرش غرب (مدرنیت) به این معنی است که ریشه‌ها و اصول [شرقی و خودی] در معرض خطر قرار می‌گیرد. علی میرسپاسی اظهار می‌دارد که مسئله بیش‌تر ایجاد و ابداع یک سنت است تا بازگشت به آن. (۲۲) به همین دلیل است که اصطلاح «تجدیدنظرطلبانه» که واگنر پیشنهاد می‌کند در مورد ایران نامتناسب است. زیرا غرب‌شناسی سازش‌ناپذیر در ایران از تمایل یا شیفتگی وطن‌پرستانه^۱ به معنای دکترینی که خواستار خیزش، اعاده حیثیت یا ادامه ارزش‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم فرهنگی بومی و محلی است، ناشی می‌شود. (۲۳) این امر در متن غرب‌زدگی اثر جلال آل احمد (۱۹۶۹-۱۹۲۳) کاملاً مشهود است. این رساله که در سال ۱۹۶۲ به چاپ رسید و تا دهه ۱۹۷۰ بدون مجوز دولتی پخش می‌شد، اگر چه اولین اثر در این زمینه نبوده است، همواره به عنوان مرجع اصلی در غرب‌شناسی وطن‌پرستانه مطرح می‌شود. قبل از او سید فخرالدین شادمان تأثیرپذیری از غرب و ایرانیان غرب‌گرا را به باد انتقاد گرفته بود. چرا که از منظر او غرب‌گرایان ایرانی بدون آن‌که به پایه‌های اساسی موضوع بیندیشند، به نشر (افکار) غربی کمک می‌کنند؛ او این ایرانیان

به طور سطحی غرب گرا را با تعبیری تحقیرآمیز فکلی می نامد. احمد فردید (۱۹۹۴-۱۹۰۹) نیز فیلسوفی است که واژه غرب زدگی^۱ را ابداع کرد که بعدها آل احمد آن را به کار برد. نکته جالب این که آل احمد ده سال قبل از ادوارد سعید، مقوله شرق شناسی را به عنوان یک مقوله امپریالیستی قلمداد کرده بود:

اصلاً من نمی دانم این شرق شناسی از کی تا حالا علم شده؟ اگر بگوییم فلان غربی در مسائل شرقی زبان شناس یا لهجه شناس یا موسیقی شناس [است] حرفی، یا اگر بگوییم مردم شناس است و جامعه شناس است باز هم تا حدودی، حرفی. ولی شرق شناس به طور اعم یعنی چه؟ یعنی عالم به کل خفیات در عالم شرق؟ مگر در عصر ارسطو به سر می بریم؟ به نظر من شرق شناسی انگلی است روییده بر ریشه استعمار. (۲۴)

بر این اساس در مطالعات تاریخی دانشوران ایرانی، میان وطن پرستی یا بومی گرایی با غرب شناسی [به معنی مصطلح آن که اغلب به دوستداری غرب تعبیر می شود] تقابل برقرار شده است. (۲۵) از این رو می توان در نگاهی دقیق تر اصطلاح غرب شناسی بومی گرا یا غرب شناسی وطن پرستانه را برای معرفی افکار و آثار مخالف غرب به کار برد. گفتنی است برخی از دانشوران از واژه ها یا اصطلاحات دیگری استفاده کرده اند برای مثال مهرزاد بروجردی از «شرق شناسی وارونه» صحبت می کند که چندان پذیرفتنی نیست زیرا اگرچه بسیاری از مباحث بروجردی قابل قبول است، بیم آن می رود که کاربرد این اصطلاح موجب کج فهمی هایی شود.

نگارنده بر این باور است که دسته بندی بازنمودهای دیگری را می توان براساس تعلق داشتن یا نداشتن به یک بافت یا نوع ادبی و هم چنین به نوع خوانندگان هر اثر هنری، تعریف کرد. به دیگر سخن انتخاب ژانر به معنی قراردادی است که میان نویسنده و خواننده بسته شده است. در خصوص ادبیات معاصر فارسی و فرانسوی این ارتباط را می توان بدین شکل نشان داد:

بینامتنیت و بیناگفتمانی^۱



تصاویر دیگری $\longleftrightarrow$ متنیت^۲

در این نمودار فرض بر این است که بینامتنیت (۲۶) و بیناگفتمانی (۲۷) مرجع اصلی نویسندگان ایرانی و فرانسوی است که در هنگام نوشتن دربارهٔ ایران و فرانسه، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه آن را در نظر داشته‌اند. از این رو توجه داشتن یا تعلق داشتن به یک ژانر یا نوع ادبی خاص، تا حدی موقعیت نویسنده را مشخص می‌کند. به دیگر سخن نویسنده با انتخاب ژانر یا نوع ادبی خاصی که برمی‌گزیند، خود را در ارتباط با آثار دیگر قرار می‌دهد. (۲۸) ژانر همان‌طور که دومینیک ماین‌گونو نشان می‌دهد، بخش مهمی از متن است:

نمی‌توان متن اثر را ارائه محتوا یا محل طرح مفاهیمی فرض کنیم که نویسنده در آن، ذهنیت‌ها یا عقاید و افکار بیش و کم بی‌راه خود را بیان می‌کند. تمام آثار از جهان سخن می‌گویند اما نوع تبیین آن‌ها از جهان با دنیای مفروض آن‌ها یا آن‌چه می‌خواهند ارائه کنند، آمیخته می‌گردد. به دیگر سخن چنین نیست که جهان و تحرکات جهان در یک طرف قرار گرفته باشد و در طرف دیگر بازنمود یا انعکاس [واقعی] آن. ادبیات فعلیتی است که نه تنها گفتمانی دربارهٔ جهان ترتیب می‌دهد، بلکه حضور خود را در این جهان به ظهور و بروز می‌رساند. وضعیتی که موجب بروز متن ادبی می‌شود از سر تصادف پدید نیامده تا به راحتی در هم فروشکند بلکه چنان با معنا و با محتوا درهم تنیده شده که از آن تفکیک‌ناپذیر است. (۲۹)

در این نوشتار تلاش می‌شود تصاویری که از متن ادبی برمی‌آید، براساس فاصلهٔ میان متن و زمینه و بافت فرهنگی آن ارزیابی شود. به طور کلی برخی نوشته‌ها (در این مورد

1. interdiscursivity

2. textuality

متون مربوط به شرق‌شناسی و غرب‌شناسی) توجه بیش‌تری به مباحث بیناگتمانی دارند، درحالی که برخی دیگر برعکس از به‌کارگیری استراتژی‌های بینامتنی مربوط به مباحث بیناگتمانی خودداری می‌کنند. می‌توان گفت فاصله میان دیدگاه آرمانی از روابط فرهنگی ایران و فرانسه با تصاویر اغلب برخاسته از تفکر قالبی و کلیشه‌ای، نشان‌دهنده دشواری کنارگذاشتن گفتمان‌های مسلط است. مطالعه دقیق متونی که تصاویری از آن دیگری در آن‌ها بازنمود یافته، از حاکمیت قدرتمند کلیشه‌ها حکایت می‌کند.

در متون معاصر فارسی و فرانسوی ادبیت متن یا ادبیات تنها زمانی رخ می‌نماید که تصاویر عمداً پیچیده می‌شوند و همین‌جا است که به سادگی تمایز میان خویش و دیگری از بین می‌رود [و به رابطه‌ای پیچیده‌تر تبدیل می‌شود]. (۳۰)

این نتیجه‌گیری با فرضیه‌های متعدد در حوزه مطالعات ادبی مطابقت دارد. نکته جالب توجه که در این تحلیل نهفته، این واقعیت است که به‌رغم مشکلات ذاتی موجود در تشخیص متون ادبی و دیگر آثار پژوهشی براساس معیارهای زیبایی‌شناختی، تمایزی [جدی و بر اساس معیارهای زیباشناختی] میان این آثار و آثار ادبی رایج احساس نمی‌شود و این متون نیز حجم وسیعی از تخیل را در بر گرفته است که در مورد به‌خصوص آثار معاصر ایران و فرانسه، تعریف [دقیق] متنیت و تشخیص میان متون براساس ارزش‌های خلاقانه [هنری] آن‌ها با استفاده از یک فرایند حذفی ممکن نیست. اگرچه در متونی که در یک چارچوب ملی ثبت شده‌اند، میزان ادبیت یا شایستگی ادبی به بازنمود اصلی [یا واقعی] از دیگری وابسته است و دیگر نوشته‌هایی که کلیشه‌های فضیلت و برتری نسبت به دیگری را بیان می‌کنند اغلب در حوزه متون تعلیمی قرار دارند و از خلاقیت کم‌تری برخوردار هستند.